

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A Historical Research to Retrieve Iranian Cultural Identity in Creating
and Expanding Nastaliq Calligraphy
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

پژوهشی تاریخی در بازیابی هویت فرهنگی ایرانی در ابداع و گسترش
خط نستعلیق

احد روان جو*

استادیار گروه گرافیک، دانشکده هنر شوستر، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۹

چکیده

بیان مسئله: ابداع خط نستعلیق در دوره تیموری یکی از مؤلفه‌های هویت‌ساز فرهنگ و هنر ایران و نیز فراهم‌آورنده محملی مناسب برای شعر و ادبیات ایرانی است. سیر تحول خوش‌نویسی در فرهنگ ایرانی مانند آینه‌ای هویت ایرانی را بازتاب داده و توانسته با گفتمان ادب‌محور خود در هدایت هنرهای دیگر هم تأثیر شگرفی بگذارد. خوش‌نویسان ایرانی با ابداع خطوطی که سرآمد آنها عروس خطوط اسلامی یعنی خط نستعلیق است، توانسته‌اند به نسبت‌ها و توازن ویژه‌ای دست یابند که جذابیت منحصر به فردی را در میان دیگر خطوط اسلامی ایجاد کند. اینکه هویت فرهنگی ایرانی چگونه در ادبیات فاخر فارسی در دوره‌های ابداع بازتاب و همگام با رشد و گسترش خط نستعلیق توسعه یافته و چگونه ترجمان بصری فرهنگ ایرانی در قالب خوش‌نویسی تجلی یافته و اینکه چه دوره‌هایی برای تطول و تحول خط نستعلیق در بازتاب ادبیات فارسی می‌توان در نظر گرفت مسائلی است که درباره آنها کمتر مطالعه شده و این پژوهش به دنبال پاسخ به آنهاست.

هدف پژوهش: این پژوهش علل پایبندی هویت فرهنگی ایران در رویکرد به هنر خوش‌نویسی را بررسی و بیان می‌کند که هم‌نوا با شعر و ادب پارسی به عنوان پشتوانه اصلی رشد و گسترش آن، از اهمیت بالایی برخوردار بوده است.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع کیفی بوده و مطالب با روش کتابخانه‌ای و خوانش منابع فراهم شده، همچنین با بررسی و خوانش بصری آثار خوش‌نویسی در دوره‌های یادشده به نتایج خود رسیده است. نتیجه‌گیری: این تحقیق بر هفت فراز تاریخی از شکوفایی و بالندگی خوش‌نویسی ایرانی می‌پردازد. به عبارت دیگر یافته‌های مقاله به رشد و گسترش ادب پارسی، در پرتو شکوفایی هنر خوش‌نویسی به معنای همواره به‌روزر بودن آن دلالت می‌یابد. سرانجام این سیر تکاملی، خوش‌نویسی را برای بازتاب ادبیات فارسی و تثبیت هویت فرهنگی ایرانی مهم‌ترین مؤلفه قلمداد می‌کند.

واژگان کلیدی: هویت فرهنگی ایرانی، ادبیات فارسی، خوشنویسی، خط نستعلیق.

مقدمه

برایش می‌توان سراغ گرفت. به گزارش تاریخ، حاصل این کارزار فرهنگی صدها دیوان از سخنوران و عارفان ایرانی بوده، که قاطبه مستشرقان و اندیشمندان را به تحسین واداشته است. هویت ایرانی نیز در دامان ادبیات غنی ایرانی توأم با سخنوری و شعر ایرانی پابرجا مانده است. «هویت ملی ایرانیان ریشه در اعماق فرهنگ و تمدن ایرانی دارد» (طرفداری، ۱۳۸۵، ۱۲۳). از جمله سخنوران

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های فرهنگ ایران ادبیات غنی و فاخر پارسی است. یافتن هویت فرهنگی در تولیدات ادبی، زبانی و سخنورانه که ادبیات نام می‌گیرد، از ویژگی‌های فرهنگ ایرانی است که مصادیق فراوانی

Ravanjoo.ahmad@gmail.com *

است، ویژه مردم ایران است» (ابن خلدون، ۱۳۸۲، ج. ۲، ۸۴۴). از دیگر براهین گرایش ایرانیان به خوش‌نویسی، آن است که در مکتب آموزشی یاقوت مستعصمی^۳ قاطبه شاگردان ایرانی‌اند و این میراث گرانبها در ایران به ابزاری برای حفظ هویت فرهنگی بدل شده است. برخلاف نگارگران که تا اواخر مکتب هرات (سده ۹ ه. ق.) و اوایل مکتب اصفهان صفوی (سده ۱۰ و ۱۱ ه. ق.) از رقم‌زدن به نام خود پرهیز می‌کردند، خوش‌نویسان از همان ابتدا اسم و رسم خوش‌نویسی را در کارهای خود رقم می‌زدند و این معلوم می‌کند که تشخیص و فردیت هنری نه به معنای مدرن آن نزد هنرمندان خوش‌نویس نهادینه بوده است. اگر رقم‌زدن را خودشناسی و خودباوری هنرمند و تشخیص او در جامعه هنری بنامیم، خوش‌نویسان چنانچه در تاریخ هنر ایرانی مشهود است بر هنرهای دیگر سروری می‌کرده‌اند. در این مقاله به سیر تکاملی خط نستعلیق در بستر هنر و ادب ایرانی تا دوره مدرن آن می‌پردازیم و تحولات آن را از نظر می‌گذرانیم. در این مقاله مسئله اصلی هویت ملی است که در هویت فرهنگی متجلی می‌شود و آن نیز در استعداد شکوفاشده ایرانیان یعنی در ادبیات غنی و فاخر آنان نمایان شده است. آن چه ادبیات پربار ایرانی را رسا می‌کند و به اذهان مخاطبان می‌رساند، خوش‌نویسی است که مهم‌ترین هنر در فنون کتاب‌آرایی و استنساخ کتب علمی و ادبی محسوب می‌شود. پرسش اصلی مقاله این است که چگونه هویت فرهنگی ایرانی در خوش‌نویسی که مقوم ادبیات و سخنوری ایرانی است پایدار مانده است؟ مراحل اصلی رشد و تکامل خوش‌نویسی در فرهنگ ایرانی که در تاریخ رشد نستعلیق دیده می‌شود، کدام است؟

پیشینه پژوهش

در کمتر پژوهشی مرتبط با موضوع مقوله ادبیات فارسی، هویت ملی و خوش‌نویسی در کنار یکدیگر مطرح شده است. البته در این محبت بیشتر تأکید بر یافتن هویت ملی و فرهنگی ایران در پرتو تحولات تاریخی خط نستعلیق از ابداع تا کنون قرار می‌گیرد. از این رو افزون به بررسی هویت فرهنگی ایرانی در روند تاریخ تحول خوش‌نویسی خط نستعلیق به تنوع و دسته‌بندی آن‌ها نیز توجه شده است.

نجیب مایل هروی (۱۳۷۲) در کتاب «کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی» همه رساله‌های حرفه‌ها و فنون کتاب‌آرایی شامل رساله‌هایی در آداب‌المشق، رسم‌الخط، حل‌کاری و مرکب‌سازی، نگارگری، تذهیب، صحافی، جلدسازی و ... را پژوهش کرده و با گردآوری منابع مکتوب این هنرهای گران‌سنگ توانسته منابع ارزشمندی را برای پژوهش در این زمینه فراهم کند.

یعقوب آژند (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان: «خوش‌نویسی در

این دوره ابوالقاسم فردوسی است که در بازپروری و نوزایی جهان ایرانی و حیات دوباره زبان پارسی نقش پررنگی داشته است. او می‌گوید در برکشیدن فرهنگ ایرانی با بازسازی زبان فارسی، کاخی از سخن خردمندان و فرهنگ بر ساخته است که گزندی از روزگاران به آن نمی‌رسد:

ز باران و از تابش آفتاب

پی افکندم از نظم کاخی بلند

که از باد و باران نیاید گزند

برین نامه بر سال‌ها بگذرد

همی خواند آن‌کس که دارد خرد

(فردوسی، ۱۳۹۱، ۷۸۸).

«... در مورد فرهنگ ایرانی، به‌گمانم می‌توان گفت که خصیصه اصلی یا هویتش، در طول هزاره‌ها ثابت مانده و با حفظ و صیانت جوهرش و عنصر بیگانه را به تحلیل برده است. به بیان دیگر ذات فرهنگ ایرانی، به خواری و زبونی تن در نداده است، یا سیطره بیگانه (عرب، ترکان سلجوقی و مغول) را به ظاهر پذیرفته و سپس اندک‌اندک آن را از درون خورده و تراشیده و با این برون‌سازی (Accommodation) و درون‌سازی (Assimilation) توأمان، طرفه معجونی ساخته که کهنه و نو در آن چنان به هم بسته و پیوسته‌اند که تشخیصشان به نخستین نگاه امکان‌پذیر نیست» (ستاری، ۱۳۸۷، ۱۱۰). آنچه عظمت ادبیات ایرانی را می‌تواند به ظهور برساند پیشرفت در هنرهای کتاب‌آرایی و از آن جمله خوش‌نویسی بوده، که ابزاری برای نشر فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی بوده است.

خوش‌نویسان در مکتب‌های هنری هرات، شیراز، جلاپریان، تبریز، اصفهان و ... همه خطوط شش‌گانه را به استادی هرچه تمام‌تر می‌نوشتند و از آن میان آثاری را در ایجاد کتب نفیس ادبی تولید می‌کردند و سبقه فرهنگی را از رقیبان می‌ربودند. این‌مقله بیضاوی شیرازی^۱ که سرآمد خوش‌نویسان است و با سماجت خود نشان داد که حکومت قاهره عباسی نمی‌تواند او را از نوشتن باز دارد. ابن بواب^۲ خود را وقف خوش‌نویسی کرد و قرآن‌های متعدد نوشت. هنرمندان در مکتب‌ها و دوره‌های هنری ایران خطوط شش‌گانه را در قالب‌های کتاب‌آرایی، کتیبه‌های معماری و هنرهای وابسته به خوبی و ملاحظت می‌نوشتند. از آنجاکه هنر خوش‌نویسی در فرهنگ و هنر اسلامی جایگاه والایی دارد، تأثیر خوش‌نویسی به واسطه هژمونی فرهنگی و سیطره معنوی بر دیگر اشکال هنری مشهود است. همچنین هنر خوش‌نویسی به خاطر ارزشی که از پیش از اسلام در میان ایرانیان داشت، بسیار مورد عنایت هنرمندان قرار گرفت و شواهد تاریخی هم این امر را تأیید می‌کند.

«... خوش‌نویسی و خط نیکی که در آنجا (شرق) باقی مانده

تأکید بر دو اثر شاخص از محمدرضا کلهر و محمدحسین شیرازی»، بیان می‌دارند که خوش‌نویسان برای قلم نستعلیق همزمان با ورود و رواج چاپ سنگی در ایران، تغییراتی در فرم حروف برای جلوگیری از ریزش حروف ایجاد کردند. هنرمندی مانند محمدرضا کلهر با تغییر در شیوه کتابت خود به جهت همگامی با فناوری جدید، زمینه شکل‌گیری سبک دوره سوم قاجار را فراهم کردند. بررسی‌ها نشان می‌دهد کلهر نسخه «سفرنامه خراسان» را با زاویه قلمگذاری ۶۴ درجه، تعداد سطرهای بیشتر در هر صفحه، توجه به کل‌گرایی، سهولت در خوانش متن و همچنین علامت‌گذاری در شروع جملات و روی اسامی خاص کتابت کرده است. ویژگی‌های سبک دوره سوم از جمله ضخیم‌نویسی حروف و کلمات، اجرای قوی‌تر دندان‌ها و اتصال‌ها دیده می‌شود. اما جمع‌نویسی در شاکله حروف و کلمات از نوآوری‌های کلهر و تأثیرات چاپ سنگی به شمار می‌رود.

نگار داوری اردکانی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی»، به نگارش گزارشی از یک پژوهش درباره برنامه‌ریزی زبان و هوشیاری زبانی در ایران می‌پردازد. و مؤلفه‌های بسیاری در شکل‌گیری نمادهای هویت ملی ایرانی را مؤثر می‌داند که یکی از اصلی‌ترین آنها زبان فارسی است. دستاوردهای این نوشتار نشان می‌دهد که مؤلفه‌های هویت ملی ایرانی شامل فرهنگ (آداب و رسوم، لباس، رفتار، غذا، باورها و مانند آن، خصوصیات اخلاقی (مثبت و منفی)، شناسنامه ایرانی، آثار باستانی، اساطیر ایرانی، ورزش‌های باستانی و ورزش ملی معاصر، دین، قومیت، سرود ملی، جغرافیا و مکان‌ها، اقتصاد، هنر، زبان فارسی، ادبیات، علم و صنعت، تاریخ و تمدن، مشاهیر ایرانی، سیاست و پرچم است که زبان فارسی در زمره مهم‌ترین نمادهای هویت ملی ایرانی است.

پات، خضری و مظاهری (۱۳۹۰) در مقاله «خوش‌نویسی در آغاز عصر صفوی: تحولات، کارکردها، حامیان و هنروران» دوره بالندگی هنر خوش‌نویسی در ایران را سرآغاز فرمانروایی صفویان می‌دانند. این هنر در این عصر، سه دوره تقریباً برابر را پشت سر گذاشته است. دوره نخست دوره گذار و انتقال از سنت‌های پیشین به‌ویژه عصر تیموری به صفویان تبریز است؛ دوره دوم هم‌زمان با نخستین سال‌های سلطنت طهماسب و توجه او به هنرهای کتاب‌آرایی است، در دوره سوم که با توبه شاه طهماسب و کناره‌گیری او از حمایت از هنرمندان همراه بوده، برخلاف رکود آشکار در برخی هنرها، هنر نگارگری و خوش‌نویسی از آسیب جدی در امان ماند. خوش‌نویسی در این دوره دو کاربرد مشخص دارد. نخست، کارکرد هنری که به صورتی گسترده در نگارش کتب ادبی و کتیبه کاخ‌ها، مساجد و دیگر بناها سامان می‌یابد؛ دوم:

قلمرو مکتب هرات: دوره پیشین (با تأکید بر خط نستعلیق)» نگاهی تاریخی و اجمالی به تکوین و رشد خط نستعلیق در دوره مکتب هرات انداخته است. نویسنده در این جستار سیر تکوین تاریخی خط نستعلیق را از پیشادوره مکتب هرات ارزیابی کرده و اذعان می‌دارد که خوش‌نویسی (خطاطی) بر نقاشی پیشی داشته و در صدر بوده و اختراع خط نستعلیق در سده هشتم هجری هم تصدیق این مطلب است. ازین‌رو به سیر تکوینی خط در سده ششم و هفتم هجری پرداخته، سپس سیر تداومی کتابخانه‌های سلطنتی را در دوره پیشین مکتب هرات به‌خصوص به کتابخانه بایسنقر میرزا با ریاست جعفر بایسنقری بیشتر بازجسته است. سپس به نظام استاد - شاگردی این دوره هم که موجب تداوم سنت‌های هنری بوده، نظری افکنده و زنجیره استاد - شاگردی خطاطان نستعلیق را به‌لحاظ تاریخی این دوره نشان داده است. نگارنده نتیجه می‌گیرد که خط نستعلیق از ذهن و ضمیر قوم ایرانی منشأ گرفته و همگام با بسط و غنای ادبیات فارسی به تکامل رسیده و زیباترین خط جهان اسلام را پدید آورده و این خط در حقیقت جلوه‌ای از هنر ملی ایرانیان بوده است.

صداقت جباری (۱۳۸۷) در مقاله «تکوین و تطور خط نستعلیق در سده هشتم و نهم هجری قمری» می‌نویسد. هرچند روایات سنتی، واضع خط نستعلیق را میرعلی تبریزی در دوره مکتب هرات تیموریان می‌دانند. اما مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که این خط چندین دهه پیش از زمان ابداع توسط میرعلی تبریزی شکل گرفته بود. خط نستعلیق از آغاز، در نیمه دوم قرن هشتم هجری، نگارش‌های مختلفی را در ایران و کشورهای چون هند، پاکستان، افغانستان و ترکیه پشت سر گذاشته بود که به تحقیق می‌توان گفت برجسته‌ترین آنها مکتب میرعماد حسنی، خوش‌نویس بزرگ دوره صفویه است. همچنین روان‌جو (۱۳۹۴) در مقاله «آموزش خوش‌نویسی، به‌مثابه نسخه کامل آموزش سنتی هنر» بیان می‌کند که آموزش سنتی خوش‌نویسی که آیین‌ها و متون آموزشی آن تقریباً دست‌نخورده باقی مانده، به شیوه استاد-شاگردی انجام می‌شود. این شیوه آموزش با مشق‌های گوناگون و راهنمایی‌های استاد همراه می‌شود. در این نوشتار سعی شده، آموزش خوش‌نویسی به‌مثابه نسخه‌ای کامل از آموزش سنتی هنر (تجسمی) تشریح شود. در آموزش خوش‌نویسی هرکدام از مشق‌های نظری، قلمی و خیالی شکلی از انواع نیازهای آموزشی شاگرد را مرتفع می‌کند و واژه مشق بر تجربه‌کردن و مقام سیر و سلوک شاگرد دلالت دارد.

گلستان و هوشیار (۱۳۹۸) در مقاله «تحولات ساختاری خط نستعلیق با ورود صنعت چاپ سنگی در دوره قاجار (با

نیز با همین واسطه تبدیل به نوعی فرهنگ شد، همراهی آن با هویت ایرانی و مؤلفه‌های سازنده آن از دستاوردهای ارزشمند این هنر در سده نهم ه. ق. محسوب می‌گردد. گسترش ادبیات فارسی طی سده‌های هفتم تا نهم از جمله مواردی بود که ایرانیان را نیازمند خطوط ویژه‌ای می‌کرد. ابداع و تکامل خطوط ایرانی چون تعلیق، شکسته تعلیق، شکسته‌نستعلیق و به ویژه نستعلیق در فاصله قرن هشتم و نهم، همراهی و پیوند آنان با شاخصه‌های فرهنگی ایرانی مانند شعر، زبان و ادبیات فارسی سبب شد، در آن دوره جزء مؤلفه‌های اصلی هویت ایرانی قرار گرفته و در باروری آن نقش مهمی ایفا کند. کتاب «هنر معاصر ایران: ریشه‌ها، دیدگاه‌های نوین» نوشته حمید کشمیرشکن (۱۳۹۳) کتابی درباره تاریخ تحلیلی ۱۵۰ سال گذشته هنر ایران در گذار از سنت به مدرنیته است که رویکردی پژوهشی و تحلیلی دارد و مشابه دیگر کتب تاریخ هنر نیست. نویسنده در فصل‌بندی این کتاب به شیوه ویژه‌ای کار کرده، توالی تاریخی رویدادها از جمله نقش خوش‌نویسی نو در هنر مدرن ایران را بیان کرده است.

کتاب «پیشگامان هنر نوگرای ایران، حسین زنده‌رودی» به کوشش پاکباز و امدادیان (۱۳۸۰) به طرح نظرات صاحب‌نظران در توصیف و تحلیل آثار زنده‌رودی و نقش عناصر خوش‌نویسانه در جنبش سقاخانه می‌پردازد. در این کتاب نویسندگان به رویکرد هویت‌نمایی در آثار نوسنت‌گرایانه زنده‌رودی اشاره می‌کنند و روند شکل‌گیری لتریسیم ایرانی و بازیابی هویت ایرانی با حمایت و پشتیبانی فرهنگی دولت‌های وقت در آثار هنرمندان سقاخانه به ویژه حسین زنده‌رودی می‌پردازند.

از بررسی پیشینه‌های مرتبط با مقاله می‌توان به این موضوع پی برد که هویت فرهنگی ایران در ادبیات فاخر فارسی و هنرهای کتاب‌آرایی شامل خوش‌نویسی، نگارگری، کتیبه‌نگاری و ... بازتاب یافته است. این هنرها به لحاظ ایجابی، ویژگی‌ها و عناصر فرهنگی ایرانی را بازتاب می‌دهند و به لحاظ سلبی، عناصر درون فرهنگی خود را از عناصر دیگر فرهنگ‌ها به نحو تبیینی جدا می‌کنند و نیز تفاوت‌های خود را به مثابه جدایی و غیریت با دیگران، به عنوان حیثیتی منحصر به فرد و قابل تشخیص می‌کنند. تأکید بر عناصر فرهنگی ایرانی شامل ادبیات فاخر و غنایی فارسی، خوش‌نویسی ایرانی و فنون کتاب‌آرایی مؤید هویت فرهنگی و ملی ایرانی است.

ادبیات پر بار فارسی رمز هویت ایرانی

به گواهی تاریخ، ایرانیان در سالیان طولانی که در این سرزمین زیسته‌اند، ادبیات و ریشه‌های فرهنگی و معرفتی

کارکرد اداری که در آن خوش‌نویسی برای نگارش فرامین، نامه‌های حکومتی و مهرها به کار گرفته می‌شد. این پژوهش بر آن است که در نیمه نخست دوره صفوی، نقش حامیان هنر خوش‌نویسی، هنرمندان و عوامل مؤثر در معیشت آنان را بررسی کند.

عباس‌زاده و مندالی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان: «نقش حاکمان تیموری در تحول خوش‌نویسی اسلامی» می‌نویسند: «در فرهنگ اسلامی، خوش‌نویسی هنری است که تقدس و ضرورتش را از کتابت قرآن کریم گرفته است؛ از این رو خوش‌نویسی در میان جوامع اسلامی رواج فراوان یافت. همچنین هنری است که حاکی از پاکی و لطافت روح و انضباط درونی محسوب می‌گردد، و نیز در میان هنرهای اسلامی جایگاه والایی در میان هنرهای کتاب‌آرایی و معماری دارد. به سبب حمایت‌های حاکمان و شاهزادگان در دوره تیموری خطوط متنوع و بسیار زیبایی اختراع گردید. بررسی نقش حاکمان و حامیان تیموری در شکوفایی خوش‌نویسی بسیار اهمیت دارد.»

فلاح (۱۳۸۶) در مقاله «نقش زبان فارسی در گسترش هویت ملی و فرهنگی ایران» می‌نویسد که آنچه کشور ایران را از سالیان دور در برابر هجوم‌های اقوام و قدرت‌های متجاوز پابرجا نگه داشته، هویت فرهنگی و ملی‌اش بوده است؛ هویتی که با تکیه بر ادبیات در قالب زبان پارسی شکوفا و پایبند مانده است. زبان پارسی به‌عنوان عنصر بیانی که در دوره هخامنشیان بدان سخن می‌گفتند و منشورها و فرمان‌های حکومتی را می‌نگاشتند، و ادیبانی چون ابوالقاسم فردوسی، حماسه سترگ خود را با آن سروده تا علایق و هویت ملی و فرهنگی را با آن شکل دهد و خودشناسی و خودباوری را به اردوگاه ایرانیان بیاورد؛ همان زبانی که مولانا جلال‌الدین محمد آثار ادبی عرفانی خود را با آن سروده تا گفتمان عرفانی را در ساحت ادبیات بیافریند، همچنین زبانی که حافظ و سعدی آثار ادبی و غنایی خود را با آن نوشتند، همواره نقش اصلی و ویژه‌ای در پایداری و حیات ایرانیان و وحدت ملی ایفا کرده و می‌کند. در حقیقت زبان فارسی همیشه مانند حمایت‌گری مرئی و نامرئی، هویت فرهنگی و ملی مردم ایران و اقوام آن را به یکدیگر پیوسته است.

همچنین الهیاری و عابدین‌پور (۱۳۸۹) در مقاله «علل تحول خوش‌نویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره صفوی» می‌نویسند: «از هنرهایی که در دوره تیموری به شکوفایی رسید، خوش‌نویسی بود که به واسطه حمایت و علاقمندی حکومت تیموری، سرمایه‌گذاری اشراف جامعه، بهره‌گیری از تجارب علمی، هنری، فرهنگی و اجتماعی خوش‌نویسان، از لحاظ روش و رویکرد متحول شد. آموزش خوش‌نویسی

مسائل عرفانی و اخلاقی نیز اشاره می‌کنند و بیان درونیات خود را از جهان پیرامون اخذ کرده، بر آن تأکید می‌ورزیدند، که از همه اولی‌تر بازیابی هویت فرهنگی جامعه ایرانی بود. «شاهنامه معنای انسانیت متمایز سنت‌های ملی و اسطوره‌های ایرانی] را که ریشه در اعماق ایرانیان داشت به روشنی بیان کرد و احساسات ملی را که در نهان، اما نیرومند باقی مانده بود، متبلور ساخت. با گذشت زمان شاهنامه الگو و سرمشقی برای میهن‌پرستی و مرجع عمده هویت ملی شد. ایرانیان مجهز به دینی جدید و نظام اجتماعی جدید از میان خاکسترهای گذشته‌شان با شادابی و سرزندگی تازه‌ای سربرافراشتند و مرحله نوینی از تاریخ فرهنگی خود را آغاز کردند» (یارشاطر، ۱۳۸۹، ۱۴۰).

شعر فارسی جهانی مثالی را به کمک عنصر خیال در خود می‌آفریند که هوش از شنوندگان خود می‌رباید و آنچه‌آن مخاطب را مست می‌کند که آرایه‌های فرهنگی و نشانه‌های هنری را در روح مخاطبان می‌نشانند و زنده می‌کند. ادبیات و شعر فارسی پیوندی ماندگار با مقوله هویت فرهنگی دارد که دل‌بستگان خود را با تأثیرگذارترین مقوله فرهنگی و هنری جذب کرده است. فضا سازی‌ها، عنصر خیال، جهان آرمانی ایرانی-اسلامی، لطافت و زیبایی همراه با نکته‌دانی و ریتم موسیقایی مناسب و آرایه‌های عروضی است که در مخاطب تأثیر می‌گذارد. این درون‌مایه شگرف از دوران تاریخی پیش از اسلام هم در شعر فارسی بوده است. «شعر نو فارسی که ریشه در سنت‌های ساسانی داشت اما جامعه وزن و قافیۀ عربی [اوزان عروضی] بر تن کرده بود شروع به شکفتن کرد. در تضاد با صحنه‌های خیابان‌های خشک، فضای دربارهای شکوهمند کاخ‌ها در کانون توجه قرار گرفت. از ویژگی‌های این شعر، لذت‌بردن صمیمانه از تخلیات و مظاهر لطیف‌تر طبیعت بود: گل‌ها و درخت‌ها، ابرها، باران و برف، دگرگون‌شدن رنگ‌ها و شکل‌ها با تغییر فصل‌ها. گذشته از این مفهومی از زیبایی که از زن جوان آرمانی یا بیشتر یک نوجوان که در هنر موسیقی و فن مقاومت مهارت داشت نشئت می‌گرفت و نیز توصیف‌های سرور انگیز شراب و باده و اثرات سحرآسای رهایی‌بخش آن، عنصر نوعی این شعر بود. سرودها، چامه‌ها همراه با نوای چنگ و تنبور و ساز مترنم می‌شد. معمولاً این عناصر پیش‌درآمدهای چکامه‌هایی بود که در ستایش مهربان سروده می‌شد و دلیری، بخشندگی، مردانگی و پیروزی‌هایشان در جنگ و شکوهمندی‌هایشان را در بزم توصیف می‌کرد و بزرگ می‌داشت. حماسه‌های داستانی نیز درباره پهلوانان باستان در چارچوب تاریخ اساطیری و افسانه‌های ایرانی تصنیف می‌شد» (همان، ۱۴۰).

آرمانشهر ایرانی که در اشعار عرفانی و غنایی با مضامین بدیع آن بازسازی و متمثل می‌شود، جهانی بهشت‌آسا را

خود را بنیان نهاده‌اند. از آنجاکه آنان در علوم سرآمد دنیای اسلام بودند و دانشوران ایرانی گوی سبقت را در همه زمینه‌ها از دیگر ملل مسلمان ربوده بودند، ادبیات فارسی نیز در دامان پرمهر دانش و معرفت ایرانی رشد و نمو کرد. «از شگفتی‌هایی که واقعیت دارد این است که بیشتر دانشوران ملت اسلام، خواه در علوم شرعی و خواه در دانش‌های عقلی، به جز در مواردی نادر غیرعرب‌اند و اگر کسانی از آنان هم یافت شوند که از حیث نژاد عرب‌اند، از لحاظ زبان و مهد تربیت و مشایخ و استادان عجمی هستند، با اینکه مذهب و صاحب شریعت عربی است» (ابن‌خلدون، ۱۳۸۲، ج ۳، ۳۱۱). ادب فارسی نزد ایرانیان در حکم هنری ذوقی بوده که تعالیم و اندرزهای خردمندانۀ خود را که عصارۀ تمدنی قرن‌ها زندگی در سرزمینی حادثه‌خیز چون ایران را ارائه می‌داده تا خوانندگان به پختگی و حکمت متعالی دست یابند. اشعاری پرمغز و با واژگانی نغز و دلفریب، راز ماندگاری شاعران و ادیبان ایرانی بوده است، چراکه یکی از مهم‌ترین علل تداوم قومی و امتداد فرهنگی در ایران، ادبیات خردگرا و پخته فارسی است. احسان یارشاطر از قول شرق‌شناس روس، ویسلی بارتولد در کتاب «فرهنگ مسلمانان» می‌نویسد: «هرچند به عقیده مسلمانان فصاحت برای همیشه ویژگی اصلی ادبیات عرب است، مضمون و اندیشه وجه متمایز ادب فارسی باقی می‌ماند» (یارشاطر، ۱۳۸۹، ۵۰).

مفاهیم بلند و مضامین بکر و داستان‌های بدیع، رمز ماندگاری و جذابیت ادب فارسی بوده است. ادبیات غنایی با رویکرد عارفانه و داستان‌های حکمی و حماسی که گوش شنوندگان را با هنرمندی تمام نوازش می‌دهند، روح بیگانگان و مهاجمان را نیز تسخیر می‌کرد و به کمال می‌رساند. از عصر سامانیان که سنت شاهنامه‌نویسی و در کنار آن مدح پادشاهان و حاکمان وقت و نیز بیان تاریخ و شرح فتوحات و عظمت شاهان پیشدادی و ساسانی متداول شد، نهالی سربرآورد که در آن فرهنگ و بیان انگیزه‌های ملی‌گرایانه و فرهنگی زبان فارسی بیشتر مجال خودنمایی یافت. «سنت شاهنامه‌نویسی که تلاشی آگاهانه برای حفظ موارث بومی بود در دوران سامانیان توسط کسانی چون دقیقی طوسی به منصب ظهور رسید. دقیقی در زمانی که ترکان آرام‌آرام حکومت سامانیان را تهدید کرده بودند، به سرایش شاهنامه خود پرداخت و در شرایطی از جنگ‌های اسطوره‌ای میان ایرانیان و تورانیان بر کرانه جیحون صحبت به میان آورد، که ترکان از همان افق‌ها حکومت سامانیان را در معرض خطر جدی قرار داده بودند؛ گویی دقیقی رخدادهای زمانۀ خود را به تصویر کشیده است» (طرفداری، ۱۳۸۵، ۱۳۱).

ادیبان و شاعران در اشعار خود به بیان و توصیف مضامین و

را نشر می‌داد، خوش‌نویسان بودند که به اشعار سراسر نغز و پرتپش پارسی کرد هنری می‌بخشیدند و کام مشتاقان را از این چشمه جوشان شیرین می‌کردند. هنرمندان خوش‌نویس اشعار شنیداری را به زیور صورت زیبای خوش‌نویسی می‌آراستند. چراکه اگر وجه تصویری و مبانی ذهنی ادبیات را در نظر بگیریم مهم‌ترین صورت به ظهور رسیدن ادبیات در قالب خوش‌نویسی امکان رخ کردن می‌یابد و این وجه فرمی و فیگوراتیو حروف است که در ترکیبات زیبایی‌شناسانه خوش‌نویسان جلوه می‌کند و به‌عنوان اثری تجسمی مشتاقان خود را جذب می‌کند.

بنابراین روح معانی ادبیات ایرانی که در قالب شعر و نثر بازتولید شده، توانست ادعای قدرت و زبان‌آوری اعراب را که به وسیله آن دیگر اقوام را به سیطره فرهنگی درآورند، مغلوب کند و آنچه در این میان سرآمد این واگویه فرهنگی در مقابل فرهنگ مهاجم بود، خوش‌نویسی بود. گرچه تاریخ تحولات خوش‌نویسی گواه است، مبدع خطوط شش‌گانه هم هنرمندان ایرانی بودند، ولی به سبب آنکه فضای بصری خوش‌نویسانه در آن‌ها فضا و ضرباهنگ کلام عربی را در خود داشت، در مکتب هرات و شیراز هنرمندان با بسط تجربه‌ها در زمینه خطوط و فعالیت خلاقانه هنری به قلم‌هایی دست یافتند که روح ادبیات فارسی را بهتر و بیشتر بر محمل آن بنشانند. قلم‌های خوش‌نویسی فارسی بازتاب فضای هنری سخن پارسی را بیشتر و زیباتر هماهنگ با آواها، هجاها و واج‌ها بازتاب می‌دهد و در این راه بازخورد موفق‌تری دارد. خوش‌نویسی پارسی حاصل نبوغ و تلاش جمعی هنرمندان ایرانی بود که با الهام از تجربه‌های صنعت استنساخ و بازتاب روح سروده‌های شاعران خوش‌ذوق ایرانی امکان تجلی می‌یافت. در نتیجه هویت و شناسه روح ایرانی در این کارکرد خلاقه هنری نمایان می‌شد که تداعی‌گر آن خط نستعلیق، تعلیق و شکسته‌نستعلیق، حامل هویت فرهنگ ایرانی هستند.

دوره‌های تحول خوش‌نویسی در ایران

خوش‌نویسی در ایران پیشینه‌ای طولانی دارد از سیر تحول بسیار پرفرازونشیبی که از نگارش کلام دینی اوستایی و متون مقدس پیش از اسلام ارزش و منزلت خود را می‌گیرد و ادامه حضورش در بطن هنر پس از دوره اسلامی است که آن را در سرلوحه هنرها قرار می‌دهد. از نگارش کلام الهی این هنر تقدس یافت و با فرمان منع شمایل‌نگاری توسط پیامبر اسلام (ص) رجوع به آن دوچندان شد، زیرا هیچ تصویر ملموسی از کلام مقدس بجز قالب خوش‌نویسی امکان بروز نمی‌یابد. ابن‌مقله شیرازی در دربار خلفای عباسی خوش‌نویسی آشفته را به نظم و فرم هندسی

می‌آفریند. جهانی مثالی که طبع زیباپسند شاعران ایرانی چون فردوسی، مولوی، عطار، سعدی، حافظ، نظامی گنجوی و ... خلق کرده‌اند. «در این جهان هنری که شعر می‌ساخت و مخاطب را فراسوی عالم واقع می‌برد، احساس مسرت و شادی از لذت‌های زمینی رایج در شعر این دوره [دوره‌های رونق ادبیات فارسی] آهسته‌آهسته به حالتی از تفکر و در خود فرورفتن و حتی گاهی به حالتی سودایی متحول می‌شد» (همان، ۱۴۱).

خوش‌نویسی جامه‌ای فاخر بر تن ادبیات پارسی

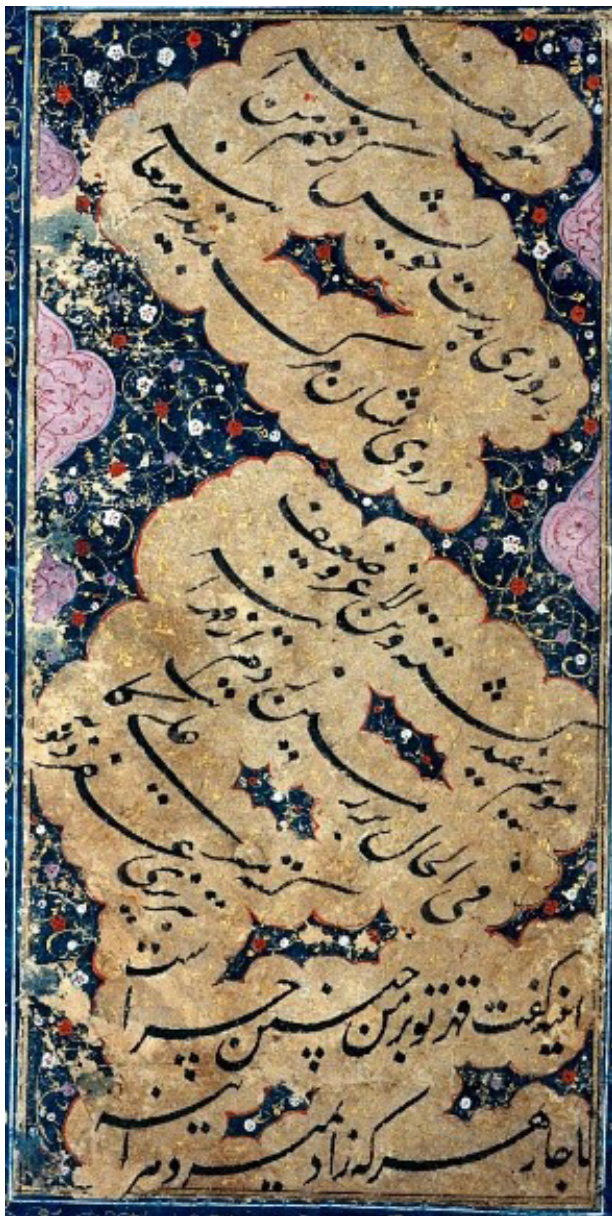
هنر خوش‌نویسی همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد واجد وجوه مقدس بوده و در فرهنگ سنتی ارزش و اهمیت بسیار دارد. «از آنجاکه هنر خوش‌نویسی در جامعه‌ای که در آن منبع صورتگری پذیرفته نشده است، هنر برتر تلقی می‌شود، بر وجوه ترقی‌خواهانه و استعلایی این تأکید فراوان شده است. هنر خوش‌نویسی به عنوان ترجمان وحی الهی که در میان قرآن‌نگاران به عنوان فرهنگ غالب قلمداد می‌شود، زیرا تنها وسیله انتقال و ثبت علم و حکمت و کتابت بوده است» (آغداشلو، ۱۳۸۵، ۵۰). تقدس هنر خوش‌نویسی از نگارش کلام وحی می‌آید و کاتبان قرآن دارای اراده‌ای خاص با ایمانی خلل‌ناپذیر و مؤمن بودند به‌طوری‌که خود را وقف نگارش این متن مقدس می‌کردند. «به خاطر انتقال کلام الهی است که بارقه تقدس بر آنها [کاغذهایی که وحی الهی بر آنها خوش‌نویسی می‌شد] نازل می‌شود و اصل به صورت کتابی «مبین» درمی‌آید که لمس کردن و گشودن و خواندن آن آداب و شرایطی خاص می‌یابد. او نیز!... خوش‌نویسانی که خطاطی قرآن و یا دیگر متون مذهبی را به صورت تخصص خود اختیار می‌کردند، به همین خاطر مورد احترام بیشتری قرار می‌گرفتند (همان، ۵۲ و ۵۱). استادان خود را غوطه‌ور در هنری سراسر معنوی و بااخلاص می‌یافتند و به پرورش شاگردان با همین روحیه و ایمان می‌پرداختند. وجاهت خوش‌نویسی با زمینه نگارش ادبیات فاخر ایرانی در جامعه تثبیت شده و در کتابخانه‌های سلطنتی هم از جایگاه رفیعی برخوردار بود. «نکته مهمی که از این سند [منشور کلانتری خواجه نصیر مذهب] پیداست، گمارش یکی از خطاطان و کاتبان و مذهبیان به ریاست کتابخانه است. معلوم است که هنوز کتابت و تحریر و تذهیب بر نقاشی و نگارگری برتری داشته و نقاشی فعلاً مکانت و منزلت را نیافته بود که با هنر خطاطی و تذهیب برابری کند. با اینکه خواجه‌نصیر در نقاشی هم سرآمد بوده ولی وجه خطاطی و تحریر او بیشتر در کانون توجه قرار گرفته است» (آژند، ۱۳۹۱، ۴۷).

باری آنچه ادبیات و کارنامه درخشان شاعران و سخنوران ایرانی به عنوان تجلیات خرد نهفته در زبان و ادب پارسی

عناصر شعری ایرانی دارد (تصاویر ۱-۳). آواها، واج‌ها، وزن‌ها و فضاها موسیقایی شعر فارسی با قالب نستعلیق که آن را که «عروس خطوط اسلامی» نامیده‌اند (بیانی، ۱۳۶۳، ۴۴۲)، همخوانی داشته، آن‌چنان با فضای شعری و فرهنگی ایرانی متناسب است که تأثیر بسزایی بر مخاطب خود می‌گذارد. با رونق‌یافتن کار کاتبان و خوش‌نویسان این هنر به والاترین و بالاترین سطح در مدیریت فنون کتاب‌آرایی رسید.

• دوره دوم، نگارش آداب‌المشق باباشاه اصفهانی

در دوره‌های پیش از صفوی، آداب‌الخط یا آداب‌المشق‌هایی توسط استادان خوش‌نویسی منتشر شده بود. این متن‌ها در زمینه آموزش‌های خوش‌نویسی و به‌ویژه آموزش



تصویر ۱. قطعه‌ای ترکیبی به خط میرعلی تبریزی. مأخذ: www.artworkshop.blogfa.com

می‌رساند و برایش اصول دوازده‌گانه وضع می‌کند. می‌توان تلاش ابن‌مقله شیرازی را در سه دستور وضع خط کرسی، ایجاد فرم هندسی برای حروف و نیز ایجاد معیاری برای نسبت و اندازه حروف یعنی نقطه همان قلمی که با آن خوش‌نویسی می‌شود، خلاصه کرد. در این پژوهش برای شناخت خوش‌نویسی به‌مثابه هنری که ایرانیان در واکاوی آن مصرانه کوشش کرده‌اند و از ارکان اثبات خود فرهنگی و حفظ هویت ایرانی به عنوان محملی برای ادبیات فاخر ایرانی یاری جسته‌اند، می‌توان هفت دوره تاریخی تعیین کرد. لازم به توضیح است که در این مقاله، خوش‌نویسی به نگارش همه قلم‌ها اطلاق می‌شود، ولی در تقسیم‌بندی دوره‌ها روی خط نستعلیق که برای نگارش متون ادبیات فاخر فارسی از عناصر هویت فرهنگی پربسامدتر بوده، تکیه شده است. دوره‌های رشد و گسترش خوش‌نویسی نستعلیق عبارت‌اند از: دوره نخست ابداع و گسترش خط نستعلیق، دوره دوم تألیف و نشر آداب‌المشق باباشاه اصفهانی، دوره سوم تثبیت قواعد و اصول با ظهور میرعماد سیفی قزوینی و دوره چهارم ظهور میرزا محمد رضا کلهر با تحول ساختاری که در خط نستعلیق ایجاد کرد، به انگیزه مناسب‌سازی برای چاپ سنگی، دوره پنجم ابداع سیاه‌مشق به عنوان یک اثر هنری مستقل و خلاق، دوره ششم ایجاد نهادی آموزشی زیر نام «انجمن خوش‌نویسان ایران» در زمان پهلوی دوم و دوره هفتم نقش خوش‌نویسی در هنر معاصر ایران به معنای ورود خوش‌نویسی در آثار هنر نوگرا به‌ویژه نقاشی خط است.

• دوره نخست، ابداع خط نستعلیق

خط نستعلیق به دست میرعلی هروی ابداع شده است، هرچند پیش از ادعان تاریخ به ابداع خلاقانه میرعلی تبریزی قواعد و شیوه نوشتاری نستعلیق در میان کاتبان متداول شده بود. ابداع نستعلیق از مهم‌ترین اتفاقات هنری است که در دوره تیموریان فضای هنری کتاب‌آرایی را به ذوق ایرانیان تغییر می‌دهد و نستعلیق را که پیش‌تر به شکل خام در نگارش‌ها وجود داشت، تثبیت می‌کند و آن را صاحب قواعد محکم و زیبا می‌کند که بر پایه زیبایی‌شناسی فرهنگ ایرانی بنا نهاده شده است. خط نستعلیق را میرعلی تبریزی از ترکیب دو خط نسخ و تعلیق پدید آورد (قاضی‌احمد، ۱۳۹۹، ۵۷؛ دوست‌محمد، ۱۳۷۲، ۲۶۵؛ عالی افندی، ۱۳۹۹، ۵۹).

ابداع این خط توانست به عنوان هویت فرهنگی ایرانیان در مکاتبات و هنر کتاب‌آرایی ورق را برگرداند و فضاها را کاملاً مطابق هویت ایرانی به «ایرانیّت» بدل کند. آنچه تغییر کرده بود این بود که خط نستعلیق در دوره‌ها، کرسی‌ها و نکات ظریف خوش‌نویسانه توانست کاملاً مطابق با ذوق لطیف ایرانی رفتار کند و نشانه‌ای شود از ذوق زیباپسند و ریزبین ایرانی. این خط سنخیت بسیار بالایی با لحن و فضای شعر و



تصویر ۳. چلیپا به خط میرعلی هروی. مأخذ: www.artworkshop.blogfa.com

درست حروف و واژه‌ها و ترکیب صحیح پرورش می‌دهد. او در آداب‌المشق خود، آیین آموزش به شیوه استاد-شاگردی را در هفت مرحله فرموله کرده، که عبارت‌اند از: نخستین مرحله پرهیز از صفات ذمیمه که نشانه بی‌اعتدالی است، مرحله دوم کسب صفات حمیده است. مرحله سوم کسب مهارت‌های تحصیلی شامل ترکیب، کرسی، نسبت، ضعف، قوت، سطح، دور، صعود مجازی، اصول، شأن و صفا. مرحله چهارم وقوف به اینکه اجزای غیرتحصیلی پس از کسب مهارت بر اجزای تحصیلی حاصل می‌شود (اجزای غیرتحصیلی عبارت‌اند از سواد، بیاض، تشمیر، صعود حقیقی و نزول حقیقی) (بنگرید به: اصفهانی، ۱۳۷۲). مرحله پنجم بزرگداشت و احترام مقام استاد. مرحله ششم فرمانبرداری شاگرد از استاد برای انجام مشق‌های سه‌گانه. مرحله هفتم کسب «اجازه‌نامه» از استاد، پس از گرفتن همه مهارت‌ها. باباشاه اصفهانی برای تسخیر مخاطبان با جذابیت خط، اخلاق‌مداری را بر مهارت‌های هنری ترجیح می‌دهد. «... پیش از شروع آموزه‌های فنی باید در شاگردش لیاقت و استعداد رشد و تعالی را در بعد روحی و



تصویر ۲. چلیپا به خط سلطانعلی مشهدی. مأخذ: jtpva.alzahra.ac.ir

خوش‌نویسی نستعلیق نگارش شده بود. آموزه‌هایی در باب حسن ترکیب و حسن تشکیل که براساس تجربه‌ها و آموزه‌های ریشه‌ای ابن‌مقله بنا نهاده شده بود. از این رو باباشاه اصفهانی آخرین و کامل‌ترین آداب‌المشق را در آداب نگارش خط نستعلیق نگاشت. آداب‌المشق باباشاه اصفهانی دارای نکات کلیدی در ساختار و رعایت اصول و قواعد زیبانویسی و همچنین رعایت اصول اخلاقی و بیان رموز جذابیت خط است. آموزه‌های مطرح‌شده در آداب‌المشق باباشاه اصفهانی براساس نظام آموزشی سنتی استاد-شاگردی نگارش شده است. نویسنده در این آداب‌المشق، فراگیری خوش‌نویسی را به یاری سه‌گونه مشق به شکل پلکانی با محوریت استاد برای رشد شاگرد مطرح می‌کند. نخست مشق نظری است که شاگرد باید با دیدن دست استاد و نگاه به خط‌های استادان بزرگ خوش‌نویسی بیاموزد. مرحله دوم آموزش مشق قلمی است که شاگرد از روی سرمشق تعلیمی استاد با قلم، با آنچه در مشق نظری از خط استادان و دست استاد آموخته، قلمی می‌کند و سومین مشق خیالی است که قوه تخیل شاگرد را برای نوشتن

برای داشتن خطی از او افتخار می‌کنند. «میرعماد بن ابراهیم حسنی سیفی قزوینی (۱۰۲۴ ه. ق.) که از هنرمندان دوران شاه‌عباس صفوی است، در همان زمان حیات خود شهرت بسیار یافت و آثار او را کلمه‌به‌کلمه و سطر به‌سطر چون ورق زر می‌خریدند و پادشاهان ایران، هندوستان و عثمانی به داشتن قطعه‌ای از خطوط وی در کتابخانه خود مباحثات می‌کردند» (بیانی، ۱۳۴۲، ۷۶۸). برخی از پژوهشگران در زاویهٔ محرف قلم و وجود نسبت طلایی در حروف و مفردات و کشیده‌های خط نستعلیق نظرانی را بیان کرده‌اند، طرفه آنکه میرعماد این نسبت‌ها را در آثار خود به‌غایت استادانه اجرا می‌کرد. شیوهٔ خوش‌نویسی او را شاگردانش با صرافت تمام و دقت فراوان گسترش داده به نسل‌های پس از خود سپردند. میرعماد در اصفهان، شاگردان فراوانی داشت که شامل: ابوتراب اصفهانی، عبدالجبار اصفهانی، محمدصالح خاتون‌آبادی، نورالدین محمد لاهیجی، عبدالرشید و گوهرشاد (دخترش) است.

• دورهٔ چهارم، کارستان محمدرضا کلهر و آماده‌سازی خط نستعلیق برای چاپ سنگی

برای مدرن‌شدن و به‌روز بودن خوش‌نویسی سنتی و ورود به دنیای نشر و مطبوعات به عنوان رسانه‌ای قدرتمند، مراحلی

معنوی ببیند تا به پرواوندن آن کمر همت ببندد، همچنین هنرجو که در طلب خط خوش، قلم به دست می‌گیرد و نقش قلم خود، بر کاغذ می‌اندازد، باید همچون نقش پرداختهٔ خود، به راستی گراید و صفات حمیده پیشه کند. باباشاه اصفهانی، در آداب‌المشق خود، اعتدال را تنها از انگشتان خطاطی می‌داند که خود را از کژی‌ها پیراسته باشد و حاصل اعتدال اخلاقی خوش‌نویس، باعث جذابیت و تناسب در خطی می‌شود که به دست او نگاشته می‌شود. باباشاه اصفهانی، بدخطی را حاصل بی‌اعتدالی روحی و داشتن صفات ردیله می‌داند و این، بخش معنوی و عرفانی خوش‌نویسی است که هنرمند را یاری می‌کند تا به صفا و شأن روحی برسد. صفا و شأن برای خوش‌نویس آخرین مراحل ابعاد روحانی هنر است که جزء مهارت فنی قرار نمی‌گیرد. اما خوش‌نویس متصف به آن، گاه خطی می‌نگارد که بیننده از تماشای آن سیر نمی‌شود. ناگفته نماند باباشاه اصفهانی، جزو اولین خوش‌نویسانی است که تمایل به عرفان، اعتدال روحی، اخلاق پسندیده و تهذیب نفس را در آداب‌المشق خود، برای شیوایی و گیرایی خط، دخیل و مهم می‌داند» (روان‌جو، ۱۳۹۴، ۵۸).

• دورهٔ سوم، شکوفایی خوش‌نویسی نستعلیق در ظهور میرعماد

بی‌تردید به اذعان غالب آگاهان، میرعماد حسنی سیفی قزوینی به لحاظ استحکام، شیوایی و زیبایی خط نستعلیق را به اوج رسانده است. بنا به عقیده سرآمد پژوهشگران خوش‌نویسی دکتر مهدی بیانی: «میر در لطف قلم و قدرت کتابت ید بیضا کرد و خط او بدون اصلاح استوار و خوش اندام است خفی را نمکین و جلی را استوار و شیرین می‌نوشت. زیبایی خط او عالم‌گیر شد». میرعماد به عنوان چیره‌دست‌ترین خوش‌نویس دورهٔ صفویه در همهٔ قالب‌های نستعلیق به خلق اثر دست یازیده است. «در همین زمان یعنی در عهد صفویه، میرعماد حسنی قزوینی بهترین خطاط شیوهٔ نستعلیق ایران به شمار آمد و شاه‌عباس صفوی به وی فخر می‌کرد و اظهار تمایل کرد که به هر نحوی شده (شاهنامه فردوسی) را به شیوهٔ خط نستعلیق بنویسد و این یک واقعهٔ بسیار مشهور تاریخی است که به طرق مختلفه گفته می‌شود» (عبدالله جغتایی، ۱۳۸۳، ۲۳۹). میرعماد که بیشتر به قطعه‌نویسی یعنی وجه بیانگارانۀ خوش‌نویسی گرایش داشت، فن چلیپانویسی و قطعه‌نویسی را به اوج رساند (تصاویر ۴ و ۵). میرعماد بسیاری از کاستی‌ها را در خوش‌نویسی حروف، اتصال‌ها، واژه‌ها و ابهام‌های قواعد نستعلیق را با ذوق سرشار خود از میان برداشت. او با دیدی بسیار دقیق خطوط پیشینیان را مشق مطالعاتی کرده بود. و با تجربهٔ ارزشمند خود در قلمی‌کردن و ساخت ترکیب‌های خلاق توانست شهرت خط نستعلیق در شبه‌قارهٔ هند و آسیای کوچک (عثمانی) و دیگر کشورها را گسترش دهد. موزه‌ها

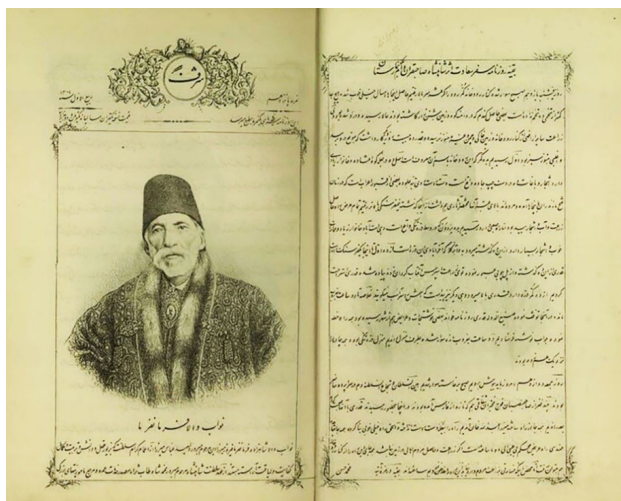


تصویر ۴. چلیپای نادعلیا... به خط میرعمادالحسنی، مأخذ: calligraphers.ir

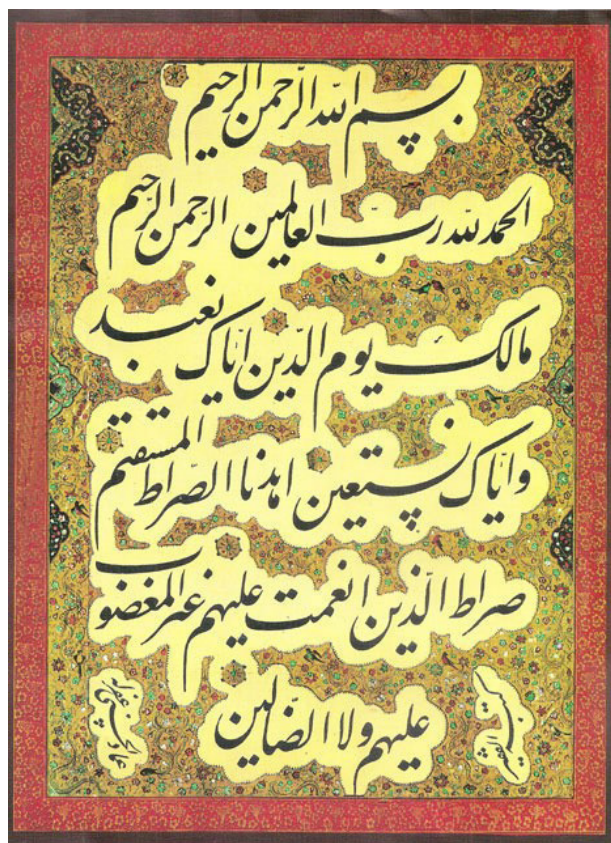
(تصاویر ۶ و ۷). او زاویهٔ محرف در تراش قلم و قلم‌گذاری را به ۶۴ درجه، تغییر داد، برای کتابت مطبوعات و سفرنامه‌ها و کتب علامت‌گذاری شیوهٔ مدرن را در شروع جملات و روی اسامی خاص، رعایت کرده است. ویژگی‌های سبک نگارش کتابت او در صنعت چاپ از جمله ضخیم‌نویسی حروف و واژه‌ها، اجرای جلی و قوی‌تر دندان‌ها و ترکیب‌ها در کار او رعایت شده، از دوایر و قوس‌ها حدود یک دانگ کوتاه کرده، همچنین جمع‌نویسی شاکلهٔ واژه‌ها و حروف از ابداعات او و تأثیرات سازگاری با چاپ سنگی محسوب می‌شود.

• دورهٔ پنجم، میرزاغلامرضا اصفهانی مبدع سیاه‌مشق‌های هنرمندانه

هنر میرزا غلامرضا اصفهانی در خوش‌نویسی نستعلیق در زبردستی و اعتماد به نفس بالای او تعریف می‌شود. میرزا غلامرضا افزون بر نگارش همهٔ قالب‌های مرسوم در سنت خوش‌نویسی نستعلیق و شکسته، سیاه‌مشق را به‌عنوان یک قالب نو ابداع کرده است. در تجربه‌های او یافتن ترکیبات تازه در سواد و بیاض با عناصر خوش‌نویسانهٔ نستعلیق، باعث شده تا تنوع ساختاری گوناگونی را بیافریند. در سیاه‌مشق نویسی که تا پیش از ابداع میرزاغلامرضا به مشق تمرینی برای آماده‌سازی و سازگاری قلم و مرکب و کاغذ صورت می‌گرفت در دستان جادویی او تبدیل به اثر هنری نابی شد. اثری که بازی‌های گرافیکی در حسن ترکیب و حسن تشکیل، پراکندگی و فشردگی، سواد و بیاض، کادر، جهت و زاویهٔ نگارش و ... کار را به دیدۀ بیننده جذاب می‌کند. «کلهر با میرزاغلامرضا این تفاوت اساسی را دارد که بعضی از تمرینات کلهر واقعا تمرین است، اما من نمونهٔ تمرینی از میرزا غلامرضا کم دیده‌ام. شاید او به قدری اعتماد به نفس داشته که هر صفحه را به صورت یک صفحهٔ نهایی تنظیم می‌کرده است، این عنصر [وجه زیبایی‌شناسانه خوش‌نویسی] در اینها



تصویر ۶ خط نستعلیق محمدرضا کلهر، برگی از روزنامهٔ شرف، دورهٔ قاجار، چاپ سنگی. مأخذ: www.irna.ir



تصویر ۵. کتابت سورهٔ حمد به خط میرعمادالحسنی. مأخذ: calligraphers.ir

باید طی می‌شد که میرزا محمدرضا کلهر (۱۳۴۵ - ۱۳۱۰ ه. ق)، این مهم را در خط نستعلیق به انجام رسانده است. او از نامدارترین خوش‌نویسان روزگار قاجار است، که توانست در خوش‌نویسی نستعلیق طرحی نو دراندازد؛ شیوه‌ای تازه در خطاطی که مشتاقان فراوانی را با خود همراه کرد و نام او را برای «سازگاری خط نستعلیق با صنعت نوظهور چاپ سنگی» برجسته کرد. انگیزه و جستجوگری کلهر جوان به شهادت استاد عباس اقبال او را برای مشق کردن از روی آثار بزرگانی چون میرعماد سیفی قزوینی و دیدن کتیبه‌ها به قزوین و اصفهان کشاند. عشق و اشتیاق کلهر به هنر خوش‌نویسی نستعلیق، با پشتکار، شکیبایی و تلاش خستگی‌ناپذیر همراه بود. میرزا محمدرضا کلهر سفرنامه‌های ناصرالدین شاه قاجار را با دقتی بالا و مهارتی ویژه در کتابت می‌نگاشت. از پرکاری و سخت‌کوشی او همین بس که میرزای کلهر ۱۲ شماره روزنامه اردوی همایونی، سفرنامهٔ خراسان ناصرالدین شاه، بخش‌هایی از روزنامهٔ شرف، فیض‌الدموع، رسالهٔ غدیریه، مخزن‌الانشاء، کتاب منتخب‌السلطان، دیوان میرزا حبیب‌قانی، دیوان فروغی بسطامی و ... را به خط نستعلیق، استادانه نگاشت. او در سازگاری خط نستعلیق در جهت استفاده در چاپ سنگی کوشش و وثیقی کرد که خط نستعلیق در فرایند چاپ سنگی آسیب نبیند و خوانایی آن کاهش نیابد

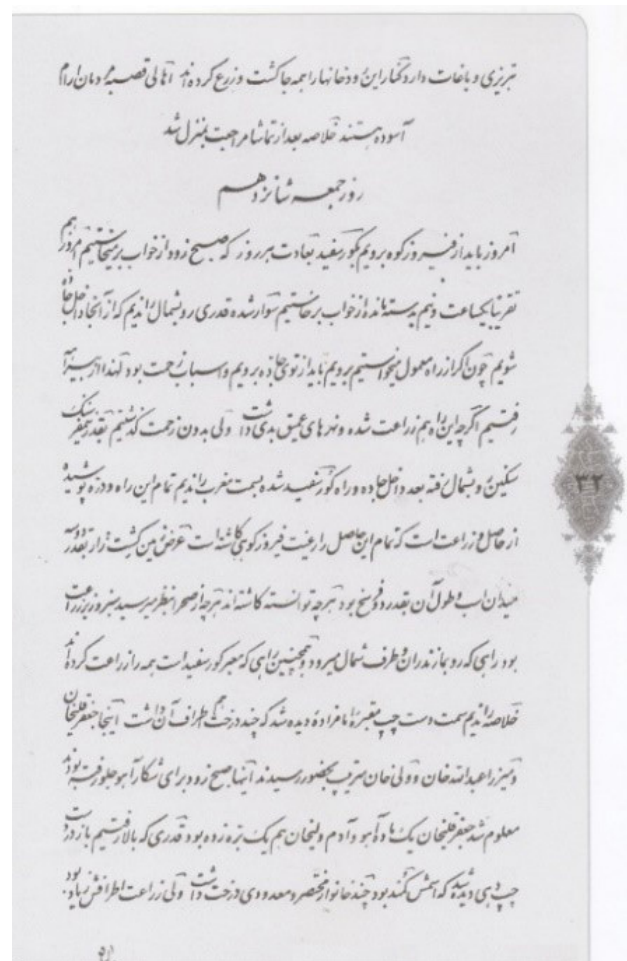
ریز و درشت به تنهایی کافی است که یک خوش‌نویس را در زمره استادان طراز اول قرار دهد. این نکته نیز گفتنی است که «سیاه‌مشق که در آثار خوش‌نویسان معاصر در جایگاه بلندی قرار دارد، به‌عنوان یک شیوه کار مستقل، مدیون سرمشق‌هایی [از میرزاغلامرضا] است که «تقلید» برجسته و درخشان از اوست» (تیموری، ۱۳۹۰، ۳۷)، (تصاویر ۸ و ۹). باید گفت که نقاشی خط‌های هنر معاصر مدیون سیاه‌مشق‌های میرزاغلامرضا اصفهانی است.

میرزا غلامرضا اصفهانی به خاطر داشتن دستی قوی در نوشتن خط نستعلیق در کتیبه‌نویسی هم آثار درخشانی خلق کرد. «کتیبه‌نویسی نستعلیق که در دوره صفوی آغاز شده بود در دوره قاجار به دست میرزاغلامرضا اصفهانی به کمال رسید» (یمینی و شریعت‌پناهی، ۱۳۹۵، ۲۹). خط نستعلیق میرزا غلامرضا با جزئیات ظریف و اجرای دقیق حاصل از تجربیاتش، بر شکسته‌نویسی او هم تأثیر آشکاری گذاشته بود. «کوچک‌شدن دایره‌ها به‌خصوص در حرف (ی)، پیچ‌وتاب و چرخش و خمش پرغمزه حروف، بلندی بیش از حد معمول دنباله (م)، استفاده بجا از حروف و کلمات خرداندام (در سیاه‌مشق)، کاربری نیم‌کشش‌های خط شکسته، در نظر داشتن تناسب سواد و بیاض خط شکسته در ترکیب صفحه نستعلیق خصوصاً در سیاه‌مشق‌ها و استفاده بسیار از ارسال (از ویژگی‌های خط شکسته) در سیاه‌مشق نستعلیق و به‌طور کلی تسریع در حرکات دست و قلم کرد بیشتری دارند» (فضایلی، ۱۳۶۵، ۵۷۳-۵۷۵).

او در ثبت امضای خود در اثر هم نوآوری و ابتکاری درخور توجه دارد. گاهی نام خود را در سیاه‌مشق خود به مثابه بخشی از متن اصلی می‌نویسند با همان قلم اصلی نگارش، که مؤید کم‌رنگ‌کردن وجه ادبی متن خوش‌نویسی است. «او خود گفته است در خط نستعلیق از قلم کتیبه تا کتابت خفی و غبار استادانه می‌نویسد. آثار وی با امضای غلامرضا و علی‌مدد است که در موزه‌های کشور موجود است؛ از جمله یک جلد رساله تحف الوزراء که در کاخ موزه گلستان [...] موجود است. همچنین قطعاتی از وی باقی مانده است. او در سیاه‌مشق نستعلیق استادی بی‌بدیل است و آثارش امروزه سرمشق بسیاری از استادان است» (بیانی، ۱۳۶۳، ۵۵۴).

• دوره ششم، تأسیس «انجمن خوش‌نویسان ایران»

بنیان‌گذاری «انجمن خوش‌نویسان ایران» به‌عنوان مهم‌ترین ارگان آموزش هنر سنتی غیردولتی در دوره گفت‌وگو مدرن در تاریخ معاصر ایران بوده، که از دهه ۴۰ شمسی به پرورش خوش‌نویسان براساس شیوه‌های سنتی این هنر پرداخته است. از این رو ایجاد «انجمن خوش‌نویسان ایران» را می‌توان نقطه‌عطفی در تاریخ آموزش و نشر خوش‌نویسی در ایران قلمداد کرد و نیز می‌توان تأسیس این آموزشگاه سنتی



تصویر ۷. خط نستعلیق محمدرضا کلهر، برگی از سفرنامه خراسان، دوره قاجار، چاپ سنگی. مأخذ: /rasanews.ir

خیلی غلبه می‌کند به طوری که در بعضی موارد نوشته تقریباً قابل خواندن نیست. بنابراین در اینجا عنصر بصری بسیار قوی است» (آغداشلو، ۱۳۹۰، ۱۲۲). خواسته یا ناخواسته میرزاغلامرضا وجه ادبی خط را کم‌رنگ کرد و توجه به وجه فرمی خوش‌نویسی را با فن، تبحر و تسلط درخور شگفتی، با جنبه‌های تجسمی خوش‌نویسی برجسته کرد. این نوع برخورد با هنر سنتی، به‌ویژه هنری که وجه تقدسی خود را از جنبه نگارش کلام الهی به‌دست آورده بود و این اصل فرهنگ سنتی که کلمه حاوی مفهوم است، خود ابداعی سترگ و تأثیرگذار محسوب می‌شود. «البته این شیوه قبل از میرزا و از دوره میرعماد روش کار شناخته‌شده‌ای بوده است و سیاه‌مشق را که به قصد تمرین کلمات و پیداکردن و قلم‌گذاری تکنیک به رسیدن برای برش بهترین نسبت و قالب در کلمات از لحاظ زیبایی‌شناختی مورد توجه خوش‌نویسان قرار داشته، تجربه کرده بودند و از استاد بزرگ نستعلیق میرعماد نیز چنین نمونه‌هایی از سیاه‌مشق دیده شده؛ اما میرزاغلامرضا به آن شخصیت مستقل بخشید؛ به طوری که آثار او از این بابت در تنوع و تعداد در انواع اقلام



تصویر ۹. سیاه‌مشق به خط میرزاغلامرضا اصفهانی، مجموعه طالبیان. مأخذ: www.honaronline.ir



تصویر ۸. سیاه‌مشق به خط میرزاغلامرضا اصفهانی. مأخذ: www.honaronline.ir

داشته است. انجمن افزون بر نشر آثار و گنجینه‌های هنری ناب و همچنین آثاری چون مرقع، جُنگ، کتابت، کتیبه، قطعه‌نگاری نمایشگاه‌ها و گردبهم‌آبی‌های فصلی و بینالی داشته، به دیگر فنون کتاب‌آرایی چون کاغذگری، صحافی، مرکب‌سازی، نگارگری، تذهیب، قلم‌تراش‌سازی و هنرهای وابسته نیز گوشه‌چشمی داشته است. در همین راستا «انجمن خوش‌نویسان ایران» که به نگارش و چاپ ده‌ها رسم‌الخط و کتب نفیس با موضوعات ادبی، عرفان و اخلاق پرداخته، را می‌توان به عنوان ارگانی تأسیس‌شده در دوره مدرن، با کارویژه تثبیت و گسترش هویت فرهنگی ایرانی در ترویج هنرهای سنتی قلمداد کرد.

• دوره هفتم، ورود خوش‌نویسی و عناصر آن در هنر مدرن و مکتب سقاخانه

دوره هفتم که خوش‌نویسی در آن ظاهر شد، در قالب نقاشی-خط بود. «کنش نقاشی-خط که در آغاز، متأثر از جنبش لتریسیم غرب (جنبشی که برپایه استفاده عناصر، علائم و نمادهای تایپوگرافی و کالیگرافی در قرن بیستم میلادی شکل گرفت) بود، بعدها به تسخیر ذوق و سلیقه ایرانی درمی‌آید.

را در جهت گسترش و تجدید حیات خوش‌نویسی ایرانی با تفکر هویتی بازگشت به خویشتن دانست. انجمن خوش‌نویسان از سال ۱۳۲۹ با کوشش آقایان ابراهیم بوذری، علی‌اکبر کاوه، سیدحسین و سیدحسن میرخانی و همچنین با تلاش دکتر مهدی بیانی استاد دانشگاه در قالب بروکراتیک وزارت فرهنگ و هنر وقت راه‌اندازی شد. بنیان انجمن به طور رسمی که خود را «انجمن خوش‌نویسان ایران» می‌نامید در تاریخ ۱۹ شهریور ماه ۱۳۴۶ ثبت شد و کلاس‌های آموزشی و سازنده خود را آغاز کرد. «انجمن خوش‌نویسان ایران» آرام‌آرام با پرورش جوانان مستعد از آغاز فعالیت خود، نخست به آموزش خطوط نستعلیق و شکسته و سپس خطوط دیگر به ایجاد رونق و گسترش آموزش خوش‌نویسی و متفرعات آن پرداخت. این نهاد مردمی با سابقه طولانی، دارای تشکیلاتی غیردولتی است. خط مشی، اساسنامه و برنامه‌های آموزشی آن، مورد تصویب مجمع نمایندگان و اساتید آن قرار می‌گیرد. شعبه‌های آن در داخل و خارج از کشور توسط اساتید و برگزیدگان انجمن اداره می‌شود. «انجمن خوش‌نویسان ایران» با ایجاد جامعه خوش‌نویسی سنتی در گسترش هنر سنتی ایران نقش مهمی

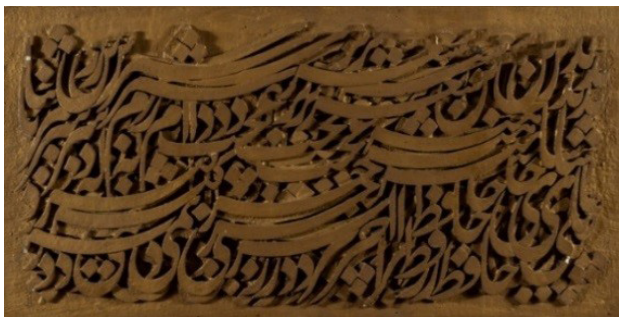
خوش‌نویسی رویکردی سکولار و دنیوی است که با حذف وجه ادبی آن و پرداختن به فرم و پیکره حروف و واژه‌ها بسط و گسترش می‌یابد. از هنرمندان گرایش دوم به حسین زنده‌رودی، فرامرز پیلارام، صادق تبریزی و ... می‌توان اشاره کرد (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

نتیجه‌گیری

فرهنگ که عنصر اصلی هویت ملی ایرانی است، در جریان هجوم اقوام مهاجم توانست تداوم یابد. هویت فرهنگی چنان از اهمیت بالایی برخوردار بوده که می‌توان هویت ملی را تابعی



تصویر ۱۰. محمد احصایی، عنوان: آن، رنگ روغن و ورق طلا روی بوم، ۱۶۳×۲۱۰ سانتی‌متر، تاریخ اثر: ۱۳۸۸. مأخذ: tehranauction.com

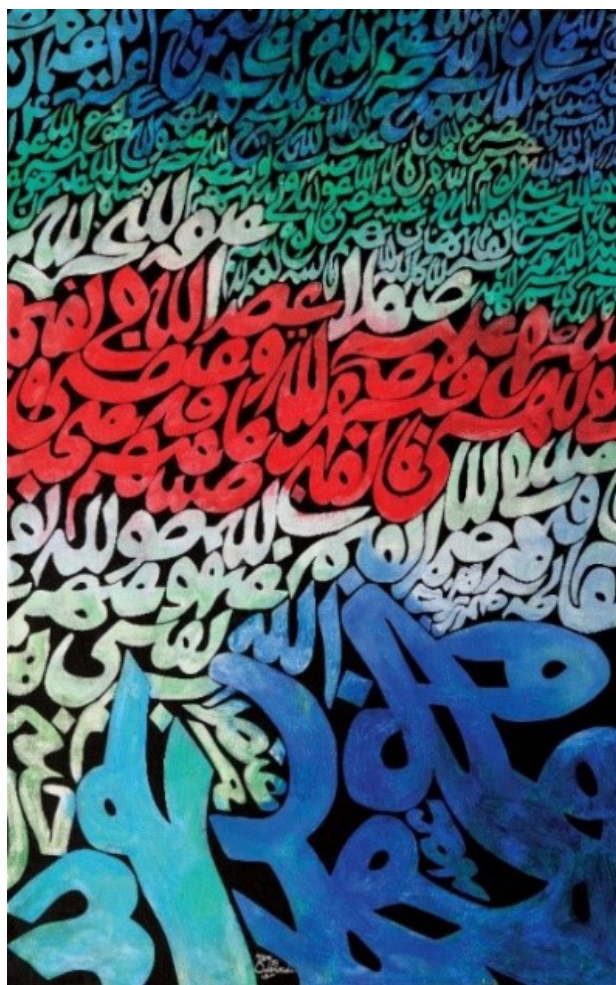


تصویر ۱۱. رضا مافی، بدون عنوان، رنگ روغن و یونولیت روی فیبر، ۱۰۰×۵۰ سانتی‌متر، تاریخ اثر: حدود دهه ۱۳۵۰. مأخذ: حراج تهران tehranauction.com

به کارگیری قلم‌های خوش‌نویسی برای ترکیبی فراهم‌شده از فرم گرافیکی حروف و واژه‌ها به طور جدی از سیاه‌مشق‌های شگرف میرزا غلامرضا اصفهانی آغاز شد؛ از این‌رو با انگیزه خلق سبکی نو و به کارگیری عناصر عامیانه سنتی ادامه یافته است» (روان‌جو، ۱۴۰۱، ۶۴). حرکت خوش‌نویسی در بطن و متن فرهنگ ایرانی در دوره مدرن خود را در خوش‌نویسی نو بازتاب داده است. «... خوش‌نویسی نو درون حرکت سقاخانه ریشه گرفت و به‌زودی به دو گرایش اصلی منتج شد: اولی شامل هنرمندان سقاخانه که اشکال خوش‌نویسی را به‌عنوان ماده اصلی تصویری خود از منابع اولیه استخراج کردند و دیگری «نقاشی-خط» که شامل جمعی از خوش‌نویسان حرفه‌ای بود که به استفاده از خوش‌نویسی به طرز متفاوتی با آثار صرفاً کلاسیک و سنتی علاقه‌مند بودند. این دو گونه خوش‌نویسی نو با بیان متمایز شکلی گسترش یافتند؛ هنرمندان سقاخانه و دنباله‌روهای آنها به سوی گونه‌ای «لتریسم» حرکت کردند و آثار هنرمندان نقاشی-خط نیز با اشکالی متفاوت، در مقابل گروه اول، قابل تشخیص شدند» (کشمیرشکن، ۱۳۹۱، ۷۲). در بررسی آخرین حضور خوش‌نویسی آثار نقاشی خط در هنر مدرن ایران، خوش‌نویسی به عنوان عنصری سنتی در کاربست اثر هنری حضور دارد. هنرمندان نقاشی خط به دو گرایش اصلی تقسیم می‌شوند: گرایش نخست که در میان خوش‌نویسان بیشترین را تشکیل می‌دهند، اغلب خوش‌نویسانی هستند که برایشان وجه ادبی و قواعد خوش‌نویسی اهمیت حیاتی دارد و آثارشان با این ویژگی یعنی به کارگیری خوش‌نویسی سنتی بدون دخل و تصرف در قواعد و اصول شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر عناصر خوش‌نویسانه را مطابق با قواعد سنتی آن، با امکانات بصری رنگ و فرم، کادر، هارمونی و ترکیب‌بندی و همه تکنیک‌های مدرن نقاشی به کار گیرند. از جمله سرآمدان دسته نخست می‌توان به محمد احصایی (زاده، ۱۳۱۸)، رضا مافی (۱۳۲۲-۱۳۶۱)، جلیل رسولی (زاده ۱۳۲۶)، علی شیرازی (زاده ۱۳۳۹) و امیرصادق تهرانی (۱۳۳۸) و ... اشاره کرد. روش کار این هنرمندان در آفرینش اثر نقاشی خط با پذیرش پیشینی قواعد و اصول خوش‌نویسی مطرح‌شده در رساله‌های آموزشی آداب‌المشق قرار دارد و به پیشینه تاریخی خوش‌نویسی تکیه دارند (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

گرایش دوم هنرمندانی هستند که خوش‌نویس نیستند و نقاشانی‌اند که فنون تکنیکال نقاشی را در کاربست مدرن آن بر وفاداری به رعایت قواعد و اصول سنتی خوش‌نویسی ترجیح می‌دهند. آن‌ها به گرایش مدرن هنر جنبش سقاخانه تعلق دارند و با رویکرد هنر عامیانه (pop art) از عناصر و نمادهای سنتی، طلسم‌ها، ادعیه‌ها، تعویذها و ... بهره می‌برد. از این رو همه تلاش‌های هنر معاصر در تثبیت هویت فرهنگی متمرکز می‌شود. رویکرد گرایش دوم به

در پاسخ به پرسش اصلی این مقاله که چگونه هویت فرهنگی ایرانی در خوش‌نویسی که مقوم ادبیات و سخنوری ایرانی است پایدار مانده است؟ و همچنین مراحل اصلی رشد و تکامل خوش‌نویسی در فرهنگ ایرانی که در تاریخ رشد نستعلیق دیده می‌شود، کدام است؟ می‌توان گفت: از مؤلفه‌های بسیار مهم فرهنگی ایران، ادبیات فاخر فارسی است که در ایده‌های ناب با نازک‌بینی و لطافت و در کمال جذابیت در مخاطب تأثیر می‌کند. در این میان از قله‌های بلند ادبیات فارسی آثار فاخر حکیم ابوالقاسم فردوسی، اشعار غنایی حافظ شیرازی، سعدی، نظامی و اشعار عرفانی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی و هزاران سخنور نام‌آور دیگر که جای هیچ‌گونه شکمی نمی‌گذارد که ایران سرزمین شاعران و سخنوران است. در این میان مهم‌ترین قالبی که برای تجسمی کردن ادبیات فاخر فارسی توسط هنرمندان مکتب شیراز و هرات به‌وجود آمد، خط نستعلیق بود که از ترکیب خط نسخ و تعلیق توسط میرعلی تبریزی ابداع شد. این خط به‌عنوان مهم‌ترین آرایه و هویت فرهنگی است که می‌تواند در هنرهای کتاب‌آرایی، فضای ایرانی را بر مکتوبات و کتاب‌های فارسی حاکم کند. تحول و شکل‌گیری خط نستعلیق دوره‌های پرفرازونشیبی را پشت سر گذاشته است. از اینرو این پژوهش تأثیر مراحل رشد و گسترش خط نستعلیق را بر هنر و هویت فرهنگی در هفت مرحله تبیین کرده است. در مرحله نخست، از ابداع توسط میرعلی تبریزی آغاز می‌شود و پس از آن در دستان توانمند استادان متأثر از مکتب هرات چون میرعلی هروی، سلطانعلی مشهدی، جعفر بایسنقری، شاه‌محمود نیشابوری و ... پرورده می‌شود. سپس در مرحله دوم در دوره صفوی قلم نستعلیق در کف باکفایت میرعماد حسنی قزوینی به حد نهایت لطافت و قوت دست می‌یابد و در مرحله سوم نگارش آداب‌المشوق باباشاه اصفهانی کار شگرف آداب‌المشوق‌نویسی را به نهایت خود رساند. در مرحله چهارم در دوره قاجار سیر تحول رو به رشد نستعلیق در کار دو هنرمند با پشتکار و خلاق در میان هنرمندان سخت‌کوش تطوری مشخص می‌یابد، در مرحله چهارم محمدرضا کلهر که خط باشکوه نستعلیق را سازگار برای چاپ سنگی کرد تا ریزش و آسیب آن به حداقل برسد و در مرحله پنجم میرزاغلامرضا اصفهانی سیاه‌مشق یا مشق‌تمرینی متداول را که خوش‌نویسان برای دست‌گرمی و آماده‌شدن قلم و مرکب و تجربه کاغذ به‌کار می‌گرفتند، تبدیل به اثر هنری مستقل کرد و با قدرت تمام و با هوش سرشاری که داشت، از فضاهای تهی و خلوت و تباینش با فضاهای متراکم و امکانات دیگر هنر خوش‌نویسی و سیاه‌مشق بهره می‌برد تا تحولی پایدار در اثر هنری خوش‌نویسی به جا بگذارد. تأثیری که به حذف یا کم‌رنگ‌شدن وجه ادبی خوش‌نویسی از مفاهیم واژگان شد و ورودش در فضای هنر مدرن را تسهیل کرد. سپس در مرحله ششم، در دوره مدرن در دهه چهل «انجمن



تصویر ۱۲. حسین زنده‌رودی، عنوان: ص + ه + ص، اکریلیک و رنگیزه معدنی روی بوم، ۱۴۲×۲۱۲ سانتی‌متر، تاریخ اثر: ۱۳۵۲. مأخذ: tehranauction.com



تصویر ۱۳. فرامرز پیلارام، بدون عنوان، رنگ روغن روی بوم، ۱۰۰×۷۰ سانتی‌متر، تاریخ اثر: ۱۳۴۸، مأخذ: tehranauction.com

از هویت فرهنگی دانست. چنان‌که مرزهای ایران به لحاظ جغرافیایی مشخص است ولی تأثیر ایران فرهنگی که نشانه‌هایی از هویت فرهنگی آن محسوب می‌شود بسیار بیش از سرحدات سرزمینی آن است.

دسته می‌توان حسین زنده‌رودی، فرامرز پیلارام، ژازه تباتبایی، صادق تبریزی و ... را نام برد. هنر خوش‌نویسی و جنبش‌های هنری که از آن سرچشمه می‌گیرند در آینده نیز تحولاتی را در پی خواهند آورد که به تداوم و فراگیری هویت فرهنگی ایران خواهد انجامید (جدول ۱). آنچه در این مقاله مهم تلقی می‌شود تکیه و تمرکز بر آرایه‌های فرهنگی ایران است که با خود هویت ایرانی را تقویت می‌کند. و برای نشر گفتمان ایرانی که در ادبیات غنی و قدرتمندش نهفته است از خوش‌نویسی که مهم‌ترین عنصر سنتی و بصری آن قلمداد می‌شود، بهره می‌برد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابن‌مقله بیضاوی شیرازی: بوعلی محمد بن علی بن حسین بن عبدالله شیرازی ملقب به ابن‌مقله شیرازی (شوال ۲۷۲-۳۲۸ ه. ق. / مارس ۸۸۶-۹۴۰ م.، خوش‌نویس و مبدع خطوط مختلف و وزیر ایرانی عباسیان بود.
۲. ابن‌بواب: ابوالحسن علاء‌الدین علی بن هلال مشهور به ابن‌بواب، در زمان خود معروف به «قبلة‌الکتاب» از خوش‌نویسان اوایل سده پنجم ه. ق. یازدهم م. در دوره خلفای عباسی و آل بویه است. ویرایش و شکل نهایی خط نسخ را به او نسبت می‌دهند.
۳. یاقوت مستعصمی: جمال‌الدین ابوالدر یاقوت مستعصمی بغدادی، خوش‌نویسی شهیر در قرن هفتم ه. ق. در زمان خود به قبلة‌الکتاب معروف شد.

فهرست منابع

- ابن‌خلدون، عبدالرحمان. (۱۳۸۲). مقدمه ابن‌خلدون (ترجمه محمدپروین گنابادی). تهران: علمی فرهنگی.
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۳). خوش‌نویسی در قلمرو مکتب هرات: دوره پیشین

خوش‌نویسان ایران» تشکیل می‌شود که گسترش خط و فرهنگ آن را به همراه می‌آورد. نسل‌های شیفته خوش‌نویسی با انجمن خوش‌نویسان به امکانات آموزش هنرهای سنتی و تعلیم خط نستعلیق دسترسی می‌یابند و به سرعت فرهنگ زیبانویسی و خوش‌خطی فراگیر می‌شود. در مرحله هفتم و آخرین دوره رشد و گسترش، خوش‌نویسی و عناصر خوش‌نویسانه توسط هنرمندان نقاشی خط در جنبش سقاخانه به عنوان هنر معاصر ایران برگزیده می‌شود و مهم‌ترین عنصر جهان سنتی در ایران در آثار هنری، عناصر خوش‌نویسانه قلمداد می‌شود. در این جنبش هنری کنش هنرمندانه براساس شیوه‌های کاریست اثر هنری شامل مواد و مصالح هنری، اندازه اثر، درون‌مایه، موضوع، فرم و ... به روش مدرن انجام می‌شود. خوش‌نویسان و ناخوش‌نویسان گروه‌هایی هستند که با خلاقیت فوق‌العاده دست به آفرینش اثر هنری می‌زنند. دسته نخست خوش‌نویسانی هستند که با مهارت در اثر نقاشی خط، خوش‌نویسی می‌کنند و از امکانات فرم و رنگ نقاشی بهره می‌برند و نیز خود را متعهد به رعایت قواعد و اصول خوش‌نویسی سنتی مطابق با مفاهیم و معانی ادبی واژگان در اثر هنری می‌دانند. از هنرمندان دسته اول می‌توان به محمد احصایی، رضا مافی، جلیل رسولی و ... نام برد. در سوی دیگر هنرمندانی قرار دارند که نوعاً خوش‌نویس نیستند ولی از عناصر خوش‌نویسانه در اثر خود بهره می‌برند. تمایلات نقاشانه ایشان با بهره‌گیری از عناصر هنر سنتی شکل می‌گیرد. از هنرمندان این

جدول ۱. دوره‌های رشد و گسترش خط نستعلیق در بازتابی هویت و فرهنگ ایرانی. مأخذ: نگارنده.

مراحل هفت‌گانه خوش‌نویسی	تحول و رشد خط نستعلیق	دوره	هنرمندان	وجه کاربردی	اثر گذاری بر هنرهای تجسمی
مرحله نخست	ابداع، تثبیت و گسترش خط نستعلیق	مکتب هرات، قرن نهم شمسی	میرعلی تبریزی مبدع و گسترش: میرعلی هروی، سلطانعلی مشهدی، جعفر بایسنقر و ...	نسخه‌برداری و نشر در فنون کتاب‌آرایی	زمینه‌سازی گسترش هویت فرهنگی ایران از نگارش ادبیات
مرحله دوم	نگارش کامل‌ترین آداب‌المشق خوش‌نویسی	صفویه	باباشاه اصفهانی	آموزش و پرورش خوش‌نویسی	تعیین خط مشی در آموزه‌های خوش‌نویسی
مرحله سوم	رسیدن به اوج شکوفایی	صفویه	میرعماد حسنی سیفی قزوینی	اوج و شکوفایی مهارت در فنون و پرورش شاگردان	تغذیه سلسله‌های خوش‌نویسی برای ادامه راه خوش‌نویسی سنتی
مرحله چهارم	سازگاری با صنعت چاپ سنگی	قاجار	میرزا محمد رضا کلهر	هم‌نوایی با صنعت نشر و چاپ سنگی	توانمندکردن خوش‌نویسی برای طراحی حروف و تایپ فیس
مرحله پنجم	ابداع سیاه‌مشق به عنوان یک اثر مستقل هنری	قاجار	میرزاغلامرضا اصفهانی	رسیدن به اثری مستقل در خوش‌نویسی	رسیدن به راه حلی برای برون‌رفت از تنگنای هنر سنتی
مرحله ششم	تشکیل «انجمن خوش‌نویسان ایران»	پهلوی دوم	سیدحسن و سیدحسین میرخانی، کاوه، بودری و دکتربینایی	ایجاد مرکزی برای خوشنویسی با هویت ملی	گسترش خوش‌نویسی به عنوان هنر و هویت ملی
مرحله هفتم	ورود خوش‌نویسی در هنر معاصر در مکتب سقاخانه	پهلوی دوم	گرایش سنتی: احصایی، رسولی، مافی، افجه‌ای و ... گرایش سکولار: زنده‌رودی، پیلارام، تبریزی و ژازه تباتبایی و ...	دقت در وجوه مشارکت عناصر خوش‌نویسی با هنر معاصر ایران	شیوه به‌کارگیری خوش‌نویسی که حامل هویت فرهنگی بوده با درک عناصر آن در هنر مدرن

- (با تأکید بر خط نستعلیق). کتاب ماه هنر، (۶۹ و ۷۰)، ۲۴ - ۳۷.
- آژند، یعقوب. (۱۳۹۱). از کارگاه تا دانشگاه، پژوهشی در نظام آموزشی استاد-شاگردی و تبدیل آن به نظام دانشگاهی در ایران. تهران: فرهنگستان هنر.
 - اصفهانی، باباشاه. (۱۳۷۲). رساله آدابالمشوق در کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. مشهد: مرکز پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
 - آغداشلو، آیدین. (۱۳۸۵). زمینی و آسمانی، نگاهی به خوش‌نویسی ایرانی از آغاز تا امروز. تهران: کتاب‌آبان.
 - آغداشلو، آیدین. (۱۳۹۰). متنیت در هنر ایران، گفتگوی بهنام کامرانی با آغداشلو و مهران مهاجر. تهران: مجله هنر فردا.
 - الهیاری، فریدون و عابدین پور، وحید. (۱۳۸۹). علل تحول خوش‌نویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره صفوی. مطالعات ملی، ۱۱ (۳۴)، ۱۵۹ - ۱۸۴.
 - بیانی، مهدی. (۱۳۶۳). احوال و آثار خوش‌نویسان: نستعلیق‌نویسان. تهران: دانشگاه تهران
 - پات، فریبا؛ خضری، سیداحمدرضا و مظاهری، مهرانگیز. (۱۳۹۰). خوش‌نویسی در آغاز عصر صفوی: تحولات، کارکردها، حامیان و هنروران. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی (مقالات و بررسی‌ها) دانشگاه تهران، ۴۴ (۱)، ۳۳ - ۴۸.
 - پاکباز، روئین و امدادیان، یعقوب. (۱۳۸۰). پیشگامان هنر نوگرایی ایران: حسین زنده‌رودی. تهران: ماه‌ریز.
 - تیموری، کاوه. (۱۳۹۰). زیباشناسی در شیوه میرزاغلامرضا اصفهانی. رشد آموزش هنر، ۹ (۱)، ۳۶ - ۴۵.
 - جباری، صداقت. (۱۳۸۷). تکوین و تطور خط نستعلیق در سده هفتم و نهم ه. ق. هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، (۳۳)، ۷۷ - ۸۴.
 - داوری اردکانی، نگار. (۱۳۸۶). نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی. مطالعات ملی، ۸ (۲)، ۳ - ۲۶.
 - دوست‌محمد، گواشانی. (۱۳۷۲). دیباچه بهرام‌میرزا در کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی (به کوشش نجیب مایل هروی). مشهد: آستان قدس رضوی.
 - روان‌جو، احد. (۱۳۹۴). آموزش خوش‌نویسی، به‌مثابه نسخه کامل آموزش سنتی هنر. تهران: هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، ۲۰ (۲)، ۵۱ - ۶۲.
 - روان‌جو، احد. (۱۴۰۱). جستاری در جنبش هنر نوگرایی ایران در نقاشی خط (بر پایه گرایش به سبب‌های هنر سنتی و مدرن). پیکره، ۱۱ (۲۸)، ۵۳ - ۶۶.
 - ستاری، محمد. (۱۳۸۷). هویت ملی و هویت فرهنگی (بسیست مقاله در قلمرو تاریخ و فرهنگ). تهران: مرکز
 - طرفداری، منصور. (۱۳۸۵). فراز و فرودهای هویت ایرانی - اسلامی (از آغاز تا تهاجم تیمور). تاریخ و تمدن اسلامی، ۲ (۱)، ۱۲۳ - ۱۴۰.
 - عالی‌افندی، مصطفی. (۱۳۹۹). مناقب هنروران (ترجمه توفیق سبحانی). تهران: گویا.
 - عباس‌زاده، خداوردی و مندالی، امیر. (۱۳۹۴). نقش حاکمان تیموری در تحول خوش‌نویسی اسلامی. بهارستان سخن (ادبیات فارسی)، ۱۲ (۲۸)، ۱۱۷ - ۱۳۶.
 - عبدالله جغتایی، محمد. (۱۳۸۳). خط نستعلیق در پاکستان و هند؛ سرچشمه هنری که از ایران جاری شد و در شبه‌قاره گسترش یافت (ترجمه محمدجعفر جوان در خط خوش فارسی). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 - فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). شاهنامه (به کوشش پژمان پورحسین). تاریخ دسترس: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵. قابل دسترس در: www.sheroadab.ir
 - فضایی، حبیب‌الله. (۱۳۶۵). اطلس خط. اصفهان: مشعل.
 - فلاح، مرتضی. (۱۳۸۶). نقش زبان فارسی در یکپارچگی و وحدت ملی ایران. پژوهش‌های ادب عرفانی (گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یزد)، ۱ (۴)، ۱۳۰ - ۱۶۳.
 - قاضی‌احمد، بن شرف‌الدین حسین منشی قمی. (۱۳۹۹). گلستان هنر (به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری). تهران: فرهنگستان هنر.
 - کشمیرشکن، حمید. (۱۳۹۱). لتریسیم و جنبش مدرن نقاسی خط. هنر فردا، ۸+۲۸، ۲۸ - ۳۵.
 - کشمیرشکن، حمید. (۱۳۹۳). هنر معاصر ایران: ریشه‌ها، دیدگاه‌های نوین. تهران: نظر.
 - گلستان، آمنه و هوشیار، مهران. (۱۳۹۸). تحولات ساختاری خط نستعلیق با ورود صنعت چاپ سنگی در دوره قاجار (با تأکید بر دو اثر شاخص از محمدرضا کلهر و محمدحسین شیرازی). مطالعات هنر اسلامی، ۱۵ (۳۵)، ۲۶ - ۴۸.
 - مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۲). کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 - یار شاطر، احسان. (۱۳۸۹). حضور ایران در جهان اسلام. تهران: باز.
 - یمینی، ماندانا و سید ماهیار شریعت پناهی. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر در تغییر سبک خط نستعلیق در خوشنویسی عصر قاجار، نگارینه هنر اسلامی، ۳ (۱۲)، ۲۰ - ۳۲.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

روان‌جو، احد. (۱۴۰۲). پژوهشی تاریخی در بازایی هویت فرهنگی ایرانی در ابداع و گسترش خط نستعلیق. باغ نظر، ۲۰ (۱۲۰)، ۷۱-۸۶.

DOI: 10.22034/BAGH.2023.343721.5193

URL: http://www.bagh-sj.com/article_170402.html

